

فرهنگ مردم ترکیه

ترجمه: گروه مترجمین صراط

اشاره:

در این مقاله فرهنگ مردم ترکیه به اجمال بررسی شده است. مطالب مطرح شده در آن از دایره المعارف فرهنگ کشورها به صورت برگزیده ترجمه گردیده است. از جمله عناوینی که در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته عبارتند از: روابط قومی، تغذیه، طبقات اجتماعی، وضعیت سیاسی، رفاه اجتماعی، ازدواج و خانواده، آداب معاشرت، جشن‌های عمومی دین و اعتقادات، ادبیات، هنر و وضعیت علوم.

نام کشور و مردم آن

واژه انگلیسی «ترکیش»^۱ از واژه کهن ترکی به نام ترک^۲ ریشه گرفته است که از نظر دستور زبانی، هم به عنوان صفت، هم به عنوان ضمیر، استفاده می‌شود. نام این کشور در زبان ترکی تۆرکیه گفته می‌شود. پس از چند دهه القای احساسات ناسیونالیستی، بیشتر شهروندان ترکیه صرف نظر از وابستگی قومی و نژادی، خود را به عنوان ترک می‌شناسند. برخی از گروه‌های قومیتی غیرترک هم چون کردها در جنوب شرقی، عرب‌ها در جنوب، لازها^۳ در کرانه‌های باختری دریای سیاه و گرجی‌ها در شمال شرقی و شمال غربی هویت دوگانه‌ای را از خود بروز می‌دهند.

موقعیت و جغرافیا

ترکیه، آسیای صغیر و بخش کوچکی از اروپا را احاطه کرده است. مساحت ترکیه ۵۷۸/۸۱۴ کیلومتر مربع است. این کشور از سمت باختر با کرانه‌های دریای اژه، از شمال غربی با دریای مرمره، یونان و بلغارستان، از شمال با دریای سیاه، از شرق با گرجستان، ارمنستان، آذربایجان و ایران و از جنوب با عراق، سوریه و دریای مدیترانه هم مرز است. اگرچه استانبول (کنستانتینوپول^۴ پیشین) مهم‌ترین شهر ترکیه بوده، پایتخت امپراتوری عثمانی به شمار می‌رفت، نخستین رئیس‌جمهور ترکیه یعنی مصطفی کمال آتاتورک آنکارا را که شهری درون ناحیه آناتولی است در سال ۱۹۲۳ به پایتختی برگزید. آنکارا از نظر نظامی از استانبول مستحکم‌تر و کمتر در معرض خطر بود؛ هم چنین گزینش آنکارا به عنوان پایتخت، سیاست ناسیونالیستی آتاتورک را نشان می‌داد، چرا که آنکارا نسبت به استانبول از همه نظر تُرک‌تر و کمتر جهانی شده بود. ترکیه ۴۵۴/۴ مایل خط ساحلی دارد. ناحیه درونی این کشور از کوه‌ها، تپه‌ها، دره‌ها و یک فلات مرکزی بلند تشکیل شده است. دشت‌های کرانه‌های باختری ترکیه به طور کلی از نظر جمعیتی انبوه‌تر و صنعتی‌تر از نواحی شرقی و مرکزی ترکیه است؛ البته

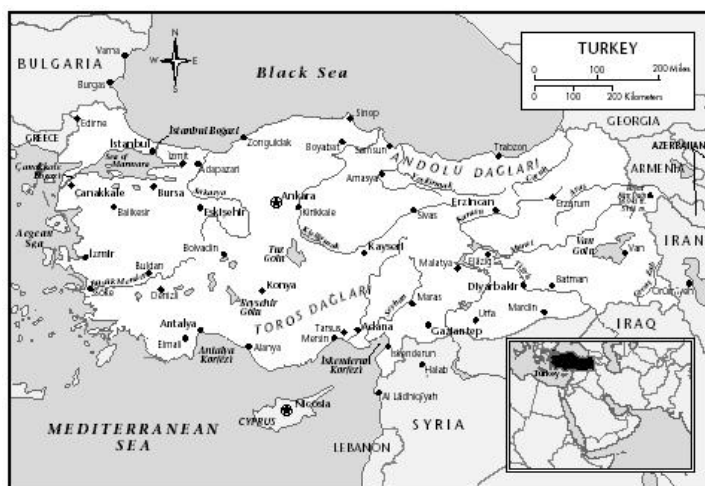
^۱ نام کشور و مردم آن

^۲ Türk

^۳ Laz

^۴ Constantinople

آنکارا، واقع در کانون فلات آناتولی، از این امر مستثنی است. از آن جایی که آسیای صغیر در درازنای قرن‌ها، کاشانه لیدیایی‌ها، هیتی‌ها، یونانی‌ها، رومی‌ها، بیزانسی‌ها، سلجوقی‌ها و عثمانی‌ها بوده، از این رو آثار باستانی فراوانی مربوط به این دوره‌ها در این ناحیه وجود دارد.



ترکیه

جمعیت

جمعیت این کشور در سال ۱۹۹۸ تعداد ۶۴/۵۶۶/۵۱۱ نفر برآورد شد که از این میان جمعیتی حدود ۶۵ درصد در مناطق شهری و ۳۵ درصد در سی و پنج هزار روستای کشور ساکن بودند. ترکیه جمعیت کشور خود را بر پایه قومیت‌های موجود در آن طبقه‌بندی نمی‌کند از این روی برآورد درستی از تعداد افراد هر یک از گروه‌های قومی این کشور وجود ندارد. دست کم سی و پنج گروه قومی غیر ترکیه‌ای در این کشور وجود دارند که این شامل دیگر گروه‌های ترکیک یا ترکیج که به زبان‌های ترکیک متفاوتی صحبت می‌کنند از قبیل اویغورها، قرقیزها، قزاق‌ها، ازبکها، بال کارها و

¹ Uygurs

² Kirgiz

³ Kazaks

⁴ Uzbeks

⁵ Balkar

آذربایجانی‌ها^۱ می‌شود. از قومیت‌هایی که به زبان‌های گروه ترکی صحبت نمی‌کنند می‌توان به کردها^۲، ارمنی‌ها^۳، یونانی‌ها^۴، سیرکاسی‌ها^۵، گرجی‌ها^۶، لازها^۷، عرب‌ها^۸، کولی‌ها^۹، اوستیایی‌ها^{۱۰}، آلبانیایی‌ها^{۱۱} و چچن‌ها^{۱۲} اشاره نمود. کردها بزرگ‌ترین قوم گروه‌های نامبرده هستند که احتمال می‌رود شمارشان به چیزی در حدود ده میلیون نفر برسد. پس از کردها بزرگ‌ترین گروه قومی عرب‌ها هستند که با جمعیت یک میلیونی در راستای مرزهای این کشور با سوریه متمرکز هستند و پس از عرب‌ها، لازهای منطقه ساحلی شرق دریای سیاه هستند که شمارشان به سیصد هزار نفر می‌رسد.

وابستگی زبانی

ترک‌ها از آسیای میانه ریشه گرفته‌اند و زبان آنها به خانواده آلتایک^{۱۳} زبان‌ها تعلق دارد. کهن‌ترین نشانه نگارش زبان ترکی به سده هشتم میلادی بر می‌گردد. کتیبه‌هایی رمزی بر ستون‌های سنگی یادبود بر کرانه‌های رود اورخون^{۱۴} نزدیک اولان باتور^{۱۵} امروزی در مغولستان مشاهده می‌گردد. زبان ترکی پس از ورود ترک‌ها به خاورمیانه در سده نهم میلادی و گرویدن به دین اسلام تأثیر به‌سزایی را از زبانهای فارسی و عربی پذیرا شد؛ پس از تأسیس جمهوری ترکیه بسیاری از واژه‌های فارسی و عربی با واژه‌هایی برگرفته شده از زبان ترکی باستان جایگزین شد. همه شهروندان مسلمان ترکیه در راستای بخشی از برنامه‌های ترکی سازی آتاتورک باید به زبان ترکی سخن گفته و بنویسند. تا

¹ Azerbaijanis

² Kurds

³ Armenians

⁴ Greeks

⁵ Circassians

⁶ Georgians

⁷ Laz

⁸ Arabs

⁹ Gypsies

¹⁰ Ossetes

¹¹ Albanians

¹² Chechens

¹³ Altaic

¹⁴ Orhun

¹⁵ Ulan Bator

سال ۱۹۹۱، انتشارات، برنامه‌های رادیویی و رسانه‌های سراسری به زبان های غیر ترکی از نظر قانونی ممنوع بود. امروزه بخش اعظم نسل جوان، تنها به زبان ترکی سخن می‌گویند؛ با این حال بسیاری از ترکیه‌ای‌هایی که در ناحیه جنوبی بزرگ می‌شوند، افزون بر ترکی به زبان کردی هم سخن می‌گویند.

تاریخ و پیوندهای قومی و نژادی

پیشینه ملت: ترکیه امروزی در سال ۱۹۲۳ به عنوان بازمانده امپراتوری چند زبانه و چند نژادی عثمانی - که میان سده‌های چهاردهم و سالهای آغازین سده بیستم میلادی وجود داشت و بر بخش‌های بسیاری از خاورمیانه، هم چنین بخش‌هایی از اروپای جنوب شرقی و شمال آفریقا در سده شانزدهم میلادی فرمان می‌راند - پدید آمد. در سده نوزدهم هنگامی که منطقه بالکان و مناطق سوی دیگر دریای خزر از این امپراتوری جدا شدند، بسیاری از شهروندان غیر ترک عثمانی برای زندگی دوباره در این کشور به آناتولی و دیگر مناطق ترکیه سرازیر شدند.

با شکست ترکیه در جنگ اول جهانی، قلب امپراتوری کهن عثمانی که همانا استانبول بود و نیز منطقه آسیای صغیر، تحت رهبری **مصطفی کمال آتاتورک**، جمهوری ترکیه را تشکیل داد. آتاتورک برای آن که ترکیه را به یک دولت و ملت پیشرفته و غیردینی، با سبک زندگی غربی تبدیل کند، با به زیر آوردن اسلام از جایگاه دین دولتی و نسخه‌برداری از قوانین حقوقی غربی، یک سامانه آموزشی غیردینی اجباری را بنیاد نهاد که در آن همه شهروندان مسلمان رها از وابستگی تباری، چنان آموزش می‌دیدند که پذیرند دارای تبار ترک هستند و شهروندی از یک ملت - دولت ترک به شمار می‌روند^۱. بیشتر ترک‌های امروزی مقیم در ناحیه غربی، پس از سده‌ها آمیزش و ازدواج با مردم مدیترانه و بالکان و حل شدن و جذب شدن مردم این نواحی در درون امپراتوری عثمانی و کشور ترکیه، بیش از آن که ویژگی‌های نژادی مردم آسیای میانه را داشته باشند، دارای چهره و ویژگی‌های

^۱ چند دهه مبارزه با دین و مذهب در ترکیه و حتی منع حجاب در مدارس و دانشگاه‌ها، تاثیری در گرایش‌های دینی و مذهبی مردم نداشته‌اند و در چند دوره انتخابات گذشته احزاب اسلام‌گرا هم چون عدالت و توسعه به پیروزی دست یافته‌اند و حتی مقام ریاست جمهوری نیز برای اولین بار به این احزاب سپرده شد؛ هرچند که احتمال مداخله ارتش و دفاع از سکولاریسم ترکی هنوز وجود دارد.

بدنی و جسمی همانند مردم جنوب اروپا هستند.

هویت ملی: دولت ترکیه اقداماتی را در زمینه تأسیس و پشتیبانی از نهادهای تاریخی و زبان شناسی انجام داده است؛ این نهادها به پژوهش درباره گذشته پر افتخار ترک پرداخته و در صورت لزوم، شکوه و جلالی ساختگی به آن نسبت می‌دادند تا باعث برانگیخته شدن غرور شهروندان ترک شوند. سیاست رسمی تلقین حس ملی‌گرایی تا حد زیادی موفق بوده است. بیشتر شهروندان رها از وابستگی تباری و نژادی غیر ترک، خودشان را چه از نظر نژادی و چه از نظر ملیت، ترک می‌پندارند؛ با این وجود برخی از کردها از این امر مستثنی هستند.

روابط قومی و نژادی: پس از پیمان نامه لوزان^۱ در دوره پس از جنگ جهانی اول، تنها ارمنی‌های مسیحی، یونانی‌های ارتدکس و یهودی‌ها این اجازه را داشتند که نهادها و سازمان‌های مذهبی و آموزشی خود را حفظ نمایند. تنها زبان‌های غیر ترکی که از سال ۱۹۹۹ به این سو در مدرسه‌های همگانی ترکیه درس داده می‌شوند دربرگیرنده زبان عربی و زبان‌های اروپای غربی می‌شود.

در حدود نیمی از کردها در جنوب شرقی ترکیه که خانه و کاشانه آنها سستی است، زندگی می‌کنند. بیشتر کردهایی که در منطقه‌های دیگری زندگی می‌کنند به دلیل شیوه آموزش، وضعیت کاری، خدمت سربازی و در هم آمیزش ازدواجی، به ترک تبدیل شده‌اند. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، شمار فزاینده‌ای از کردها، بر پایه کردی، زبانی هندو - اروپائی وابسته به زبان فارسی، ریشه‌های غیر ترکی خود را بازیافته‌اند.

گرچه سخن گفتن به کردی در مکان‌های همگانی و نوشتن به این زبان از سال ۱۹۹۱ قانونی شده است، مقام‌های قضایی و کیفری، برخی کرد زبانان را بازداشت نموده و انتشارات کردها را تحت عنوان قانون ضد ترور که دامن زدن به تبلیغات جدایی طلبانه را ممنوع ساخته است، توقیف می‌کنند. مقامات قضایی هم‌چنین از بخش‌هایی از قانون جنایی برای محدود کردن جوشش‌ها و ابراز وجودهای نژادی و قومی مورد استناد قرار می‌دهند. تا سال ۱۹۹۹، پخش رسانه‌ای به زبان کردی غیر قانونی بوده است. فعالیت شاخه شانلیورفا^۲ (جنوب شرقی ترکیه) وابسته به کانون

^۱ Treaty of Lausanne

^۲ Sanliorfa



فرهنگی میانرودان (بین‌النهرین)، که شرکتی فرهنگی برای گسترش زبان و فرهنگ کردی قلمداد می‌شود، در سال ۱۹۹۷ با فرمان استانداری متوقف شد. در سال ۱۹۹۷ دفتر فرمانداری استانبول درخواست بنیاد پژوهشی و فرهنگی کرد را برای برگزاری کلاس‌های زبان کردی نپذیرفت.

برخی از کردها خواهان حقوق فرهنگی و حتی استقلال یا خودگردانی منطقه‌ای در جنوب شرقی ترکیه هستند. حزب کارگران کرد، یک سازمان جدایی طلب و گاه تروریستی، از سال ۱۹۸۴ تاکنون، در ناحیه جنوب شرقی به جنگ و پیکار با ارتش ترکیه پرداخته است. در حدود سی هزار نفر که بیشترشان عضو حزب کارگران کرد بودند تا ماه مارس ۱۹۹۹ در روند این جنگ‌ها کشته شده‌اند. کارزار نظامی ترکیه به پیدایش جنبش‌ها و احساسات حمایتی و پشتیبانی از حزب کارگران کرد منجر شده است که برخی هنگام به فراتر از مرزهای ترکیه نیز کشیده شده و موجب یورش‌هایی از شمال عراق به درون ترکیه می‌شود.

در سالهای اخیر، گرجی‌ها، سیرکاسی‌ها و لازها نیز بر آن شده‌اند تا زبان غیر ترکی و سنت‌های فرهنگی خود را که در قانون ترکیه به صورت محدود مجاز شمرده شده است، دوباره زنده کنند. گروهی از گرجی‌های ترکیه در اوایل سال ۱۹۹۰ به انتشار یک روزنامه فرهنگی با روی کرد به شعر، ادبیات و سنت‌های گرجی به نام «چ ونه بوری»^۱ اقدام نمودند؛ این مردم خود را مسلمان و شهروند ترکیه دارای نیاکان عثمانی غیر ترک می‌خوانند.

اکثریت گسترده‌ای از شهروندان، با وجود تفاوت‌های نژادی، طبقه اجتماعی، شهری، روستائی و منطقه‌ای به طور عام در فرهنگ ترکی اشتراک دارند. هم پیمانی‌ها و پیوندهای خوبی میان مسلمانان سنی با پیشینه نژادی متفاوت در اثر ازدواج با یکدیگر صورت گرفته است. حکومت ترکیه شهروندی همه مردم ترکیه را حق آنان می‌داند. به طور رسمی هیچگونه تبعیض قانونی، آموزشی یا استخدامی مرتبط با قومیت در این کشور وجود ندارد و سامانه‌ای برای اختصاص کارت شناسایی قومی وجود ندارد.

تغذیه و رسوم غذایی:

روش آشپزی و خوراک در ترکیه بسیاری از خورش‌های سبزی و گوشت متفاوتی را مانند بورک^۲، کباب و دلمه شامل می‌شود. ترک‌ها نوعی نان فطیر را کمابیش با همه

^۱ Çyeneburi, a

^۲ Burek

غذاها می‌خورند.

بسیاری از ترک‌ها در زمستان برای وعده صبحانه نان و آش داغ صرف می‌کنند. ترک‌ها در فصل‌های گرم‌تر به طور معمول برای صبحانه نان و مربا، تخم مرغ آب‌پز سفت یا نیم‌پز، نوعی پنیر سفید درست شده از شیر گوسفند، زیتون نمکین و شیر گرم یا چای داغ با شیر می‌خورند. یک ناهار معمولی شامل خورش سبزیجات و گوشت، در کنار یک بشقاب برنج یا پلوی بلغوری (چیزی مانند سبزی پلو، لوبیا پلو، عدس پلو...) با سالاد، همراه میوه یا دسر صرف می‌شود. ممکن است به جای خورش، دلمه یا بورک خورده شود. دسرهای شیرین مانند باقلوا در مناسبت‌های خاص خورده می‌شود و شام را به طور معمول سبک‌تر می‌خورند که شامل مانده ناهار یا کباب با سالاد می‌شود. همراه ناهار یا شام از سر عادت آب نوشیده می‌شود.

سلیقه‌ها و شیوه تهیه خوراکی به نسبت منطقه و تبار مردم ترکیه متفاوت است؛ برای نمونه، منطقه دریای سیاه به داشتن غذاهای دریایی و ماهی به ویژه آنچووی^۱ مشهور است، در حالی که منطقه شرقی به خوراک‌های پر ادویه‌اش شناخته می‌شود. سیرکاسی^۲‌ها برای درست کردن جوجه با سس گردو معروف هستند و روش آشپزی گرجی معرف نان ذرتی کلفت و سوپ ذرت است. لهمجون (همان لحم معجون یعنی معجون گوشت) یا پیتزای ارمنی از استان‌های جنوبی که زمانی زیستگاه ارمنی‌ها بود ریشه گرفته است.

همه شهرها دارای رستوران‌ها و دکه‌های فروش تنقلات متعددی هستند؛ بسیاری از آنها در ارائه غذاهایی مانند کباب‌ها، سوپ‌ها، گوشت پیچ که با نان مخصوصی به نام پیده^۳ (نوعی نان تخت) صرف می‌شود، شیرینی‌جات و ماهی تخصص دارند. برخی دیگر از رستوران‌ها غذاهای گوناگونی را شامل خورش‌ها، پلوه‌ها، سبزیجات و دسرها ارائه می‌دهند. رستوران‌های ارزان به کارگرانی خدمات می‌دهند که به طور معمول یک وعده صبحانه را بیرون صرف می‌کنند و شام را در منزل می‌خورند. رستوران‌های رده بالاتر به طور کلی محل جداگانه‌ای را برای خانواده‌ها و بانوان در نظر می‌گیرند. رستوران‌های زنجیره‌ای فست

¹ Ancovi

² Syrcassian

³ Pide

فود آمریکایی در شهرهای بزرگ بسیار طرفدار پیدا کرده‌اند.

بزرگ‌ترین منع غذایی در ترکیه خوک است که خوردن آن برای مسلمانان حرام شده است؛ اگرچه قرآن نوشیدنی‌های الکلی را نیز ممنوع ساخته است. بخش عمده‌ای از جمعیت مسلمان غذاهای دیگری را نیز حرام می‌پندارند اگرچه این خواکی‌ها در دین اسلام حرام نشده است؛ برای نمونه یوروک^۱ها که بیشتر قبیله‌ای بیابان‌گرد و گوسفند چران بودند از همه غذاهای دریایی به جز ماهی پرهیز می‌نمایند. اعضای فرقه علوی، خرگوش را به خاطر داشتن قاعدگی نمی‌خورند. ترک‌های ساکن در استان شمال غربی بالکسیر^۲ از خوردن حلزون پرهیز می‌کنند.

رسوم غذایی در مناسبات و مراسم سنتی: غذاهایی مخصوصی برای جشن‌ها و روزهای مقدس پخته می‌شود. در غازی آشب^۳، یووارلاما^۴ غذای ویژه‌ای است که برای روز عید فطر صرف می‌شود. در برخی از استان‌های جنوبی غذای ویژه روز عید فطر بره کباب با گوجه و بورگ است.

سیاری از خانوارهای ترک شیعه در ماه محرم، حریره ویژه‌ای را به نام عاشوره تهیه می‌کنند که به صورت نذری میان همسایه‌ها، مهمانان و دوستان پخش می‌کنند. طبق یک سنت، عاشوره باید دست کم ۱۵ درون مایهٔ مختلف را مانند لوبیا، نخود، بادام، غلات، برنج، کشمش، گلاب، انار، پوست پرتقال، انجیر و دارچین درون خود داشته باشد. کمابیش در سراسر ترکیه در مراسم عروسی آشی به نام آش عروسی صرف می‌شود که از گوشت بره با استخوان، تخم مرغ، آب لیمو، آرد، کره و فلفل قرمز تهیه می‌شود.

نوشیدنی‌های ترکیه‌ای شامل چای که سراسر روز نوشیده می‌شود، قهوه غلیظ که به طور معمول پس از غذا نوشیده می‌شود، آیران (دوغ کره)، بوزا (نوعی نوشیدنی بلغوری تخمیر شده که در زمستان نوشیده می‌شود) و راکلی (نوشیدنی با مزه بادیان رومی است که به طور معمول پس از آمیختن با آب آن را می‌نوشند) می‌شود. نوشیدنی‌های گازدار در میان نسل جوان طرفدار بسیاری پیدا کرده است. رستوران‌ها در شهرهای بزرگ به

¹ Yuruk

² Balik esir

³ Gazian Tepe

⁴ Yuvarlama

صورت پاتوقی برای وقت گذرانی مردان در آمده‌اند.

توزیع مشاغل:

بیشتر شغل‌ها بر پایه سن، مهارت، وضعیت آموزشی، جنسیت و در برخی موارد خویشاوندی، واگذار می‌شوند. شمار بسیاری از کاسبی‌ها و پیشه‌های کوچک که به صورت خانوادگی اداره می‌شوند، در اغلب شهرها و شهرک‌ها به حیات خود ادامه می‌دهند؛ در چنین کسب و کارهایی، افراد جوان به ویژه فرزندان پسر، از سن کم برای اداره حرفه خانوادگی آموزش می‌بینند. تا دهه ۱۹۶۰ بسیاری از جوان‌ها، به ویژه مردان، مهارت‌های خود را در چرخه یک نظام استاد و شاگردی فرا می‌گرفتند؛ امروزه وزارت آموزش هزاران مدرسه فنی و حرفه‌ای ابتدایی و پیشرفته را برای زنان و مردان تأسیس کرده و اداره می‌نماید.

ترکیه دانشگاه‌های بسیاری دارد که در آن دانشجویان دختر و پسر برای کسب شغل‌هایی هم چون بازرگانی، دکتری، مهندسی، وکالت، معلمی، حساب‌داری، بانکداری و معماری درس می‌خوانند. کسانی که خواهان ورود به شغل‌های خدمات شهری هستند، باید از نظر آموزشی و داشتن مدارک لازم واجد شرایط بوده، یک آزمون کتبی را پشت سر بگذارند.

قانون ترکیه به طور کلی استخدام کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع کرده است؛ به جز کودکان ۱۳ و ۱۴ ساله‌ای که کاری سبک به طور پاره وقت انجام دهند و در عین حال باید به مدرسه نیز بروند یا در یکی از دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای مرتبط با زمینه کار پاره وقت تحت آموزش باشند اما واقعیت به گونه دیگری است و کودکان خانواده‌های مستمند برای کسب درآمد و در ازای دریافت حقوق کار می‌کنند. پسران کم سن و سال به جز کار در مزرعه، در چای خانه‌ها به عنوان پیش خدمت، هم چنین به عنوان کارگر در تعمیرگاه‌های خودرو و صنایع کوچک فلزی و چوبی کار می‌کنند؛ دختران کم سن و سال نیز به طور معمول درون خانه صنایع دستی می‌سازند.

طبقه بندی اجتماعی

طبقات اجتماعی و اصناف: مهم‌ترین عوامل تعیین موقعیت اجتماعی، ثروت و وضعیت تحصیلی هستند. به طور کلی طبقه‌بندی‌ها شامل طبقه تحصیل کرده ثروتمند شهری، طبقه متوسط شهری، طبقه پائین شهری، طبقه زمین‌داران بزرگ روستائی، و

عموم ساکنان روستاها می‌شود. برخورداری از آموزش و مدرک دانشگاهی کمترین شرط ورود افراد به طبقه تحصیل کرده شهری است که در این طبقه زیرلایه‌های بسیاری وجود دارند.

تفاوت‌های موجود میان بالای شهر و پائین شهر کاملاً آشکار است. طبقه بالای شهری شامل چندین گروه با موقعیتی بالا می‌شوند که وضعیت تحصیلات، نفوذ سیاسی و ثروت، عوامل تعیین کننده‌ی قرار گرفتن در چنین گروهی به شمار می‌رود. بازرگانان ثروتمند، هم چنین پزشکان موفق، وزیران کابینه و بسیاری از اعضای مجلس قانون‌گذاری، مدیران ادارات مهم دولتی و دیگر مقام‌های بلندپایه در بالاترین رده‌های اجتماعی قرار دارند. از زمان جنگ جهانی دوم به این سو، بازرگانان با نخبگان و بزرگان کهنه کار نظامی - بوروکراتیک بر سر میزان قدرت و جایگاه اجتماعی به رقابت پرداخته‌اند. اعضای طبقه بالای شهری به طور کلی غرب‌زده یا غرب‌گرا هستند به طوری که هرکدام از این افراد دست کم به یک زبان غربی سخن می‌گویند، با سبک زندگی و فرهنگ آمریکایی و اروپایی به خوبی آشنا هستند و پیوندهای نزدیکی با جامعه‌های تجاری و دیپلماتیک خارجی دارند.

طبقه متوسط شهری شامل بیشتر کارمندان اداره‌های شهری، مالکان صنایع و تجارت‌ها و کسب‌های متوسط، بسیاری از افراد شاغل در بخش خدمات، برخی از کارگران ماهر و دانشجویان هستند؛ این گروه به طور کلی نسبت به گروه پیش کمتر غربی شده‌اند و به فرهنگ ترکیه‌ای گرایش بیشتری دارند؛ طبقه متوسط شهری هم چنین در واقع شامل تمام افراد لایه‌های بالایی مراکز استان‌ها می‌شود. طبقه تحصیل کرده شهری جوشش و کارایی بسیار بالایی را از خود نشان می‌دهند.

طبقه پائین شهری شامل کارگران نیمه ماهر و ناماهر، کارگران خدماتی با حقوق پائین و بیکاران شهری می‌شود. به دلیل نرخ بالای مهاجرت جوانان روستائی به شهرها، این طبقه دارای سریع‌ترین آهنگ رشد است. بسیاری از مهاجران با دشواری فراوانی برای یافتن شغل رو به رو هستند، و برخی به صورت فصلی کار می‌کنند؛ بسیاری از اینها در فقر و در زاغه‌هایی که در حاشیه‌ی شهرها ساخته شده‌اند، زندگی می‌کنند. فرآیند شهری شدن، هم زمان با رشد جمعیت روستائی و امکان کسب درآمد بیشتر از صنایع شهری ادامه پیدا می‌کند.

چیزی در حدود ۳۰ درصد از جمعیت ترکیه را روستائیان کشاورز که دهقانان نامیده می‌شوند تشکیل می‌دهند. بهبود ارتباطات و حمل و نقل باعث نزدیک شدن فاصله روستاها و شهرها شده است. تلاش‌های سوادآموزی از سال ۱۹۲۳ با بالا آوردن نرخ باسوادی ملی به ۸۲.۳ درصد در سال ۱۹۹۵ به بار نشست؛ هرچند که میزان باسوادی در نواحی روستایی کمتر از دیگر نواحی کشور است. هنوز در برخی از نواحی روستائی شرق ترکیه، نظام اربابی زمین‌داران بزرگ، سران طایفه‌ای سنتی و رهبران مذهبی امری بارز است. جوانان روستائی که به شهرها مهاجرت می‌کنند بختی برای ورود به طبقه متوسط شهری نخواهند داشت مگر آن که وقت بیشتری را صرف درس خواندن و آموزش نمایند.

نماد طبقه‌بندی اجتماعی: بیشتر مردان در همه طبقات اجتماعی سبک پوششی غربی را برای خود برگزیده‌اند، که شامل شلوار، پیراهن و کت می‌شود. مردان و زنان طبقات متوسط و بالای شهری توجه بسیاری را به مد غربی نشان می‌دهند؛ ایشان هم چنین در آپارتمان‌های گران‌قیمت زندگی کرده، می‌کوشند اقلام تجملی غربی مانند خودرو، دستگاه‌های الکترونیک، گوشی تلفن همراه و رایانه را دارا باشند. این طبقات اشتهای خوبی را به موسیقی و ادبیات غربی از خود نشان داده‌اند و در مراسم و اجراهای موسیقایی شرکت می‌جویند. طبقه بالای شهری علاقه بسیاری به دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های اروپایی زبان نشان می‌دهد، اما طبقه متوسط از نظام آموزش استاندارد ترکیه رضایت بیشتری دارند. افراد هر دوی این طبقات ترجیح می‌دهند زبان ترکی استاندارد را به لهجه تعلیم داده شده استانبولی تکلم کنند.

بیشتر اعضای طبقه پائین شهری در زاغه‌های پیرامون شهر زندگی می‌کنند؛ تنها بخش اندکی از آنان دوره دبیرستان (لیسه)^۱ را به پایان می‌رسانند. زنان ترجیح می‌دهند جامه سنتی محافظه کارانه‌ای بپوشند که شامل روسری و کت‌های بلند، حتی در تابستان می‌شود؛ اینها گروه موسیقی ترکی و خاورمیانه‌ای را دوست دارند. دهاتی‌ها و طبقه روستایی کمتر از سایرین در معرض پوشش، سبک‌ها، زبان و موسیقی غربی قرار گرفته‌اند؛ این دسته همانند طبقه پائین شهری این‌گونه می‌پسندند که ترکی را با

^۱ Lise

لهجه‌های محلی و اشتباهات دستوری رایج سخن بگویند. زنان جامه محافظه‌کارانه روستائی، شامل شلوارهای پف کرده و روسری می‌پوشند.

وضعیت سیاسی

حکومت: همه فعالیت‌های دولت تحت لوای قانون اساسی تصویب شده سال ۱۹۸۲ به انجام می‌رسد. همه قانون‌های اساسی (۱۹۲۴، ۱۹۶۱، ۱۹۸۲) هنگامی نوشته شده و به تصویب رسیدند که حاکمان نظامی زمام امور را در دست داشتند. قانون اساسی ۱۹۸۲ بیان می‌کند که «ترکیه کشوری دموکراتیک، غیردینی و اجتماع‌گرا است... به ملی‌گرایی آتاتورک وفادار است» (ماده ۲). «دولت ترکیه با مرزها و ملتش، موجودیتی تقسیم‌ناپذیر است. زبانش ترکی است» (ماده ۳)

قانون اساسی فهرست بلند بالایی را از حقوق سیاسی و شهروندی برشمرده است اما اولویت آنها را پس از «امنیت ملی»، «اتحاد ملی» و «اخلاق جمعی» قرار داده است. هم‌چنین در قانون اساسی به دولت این اجازه داده شده است که در هنگام نیاز حکومت نظامی برقرار نموده یا اعلام شرایط اضطراری نماید. قانون اساسی بر وجود یک نهاد قانون‌گذاری ملی تک‌مجلسی که با رأی مردم برگزیده می‌شود و دارای قدرت مطلق قانون‌گذاری است، یک نخست‌وزیر و کابینه وی که در برابر مجلس ملی پاسخگو هستند و یک دادگاه قانون اساسی با دارا بودن قدرت بازنگری قضایی، صحنه گذاشته است. در قانون اساسی یک مقام رئیس‌جمهوری در نظر گرفته شده است که دارای قدرت‌های گسترده اجرایی و حق وتوی قانونی است که با رأی مجلس ملی برای یک دوره هفت ساله برگزیده می‌شود.

طیف گسترده‌ای از حزب‌های سیاسی در ترکیه فعال هستند. گرایش‌های مذهبی، اقدام برای تأسیس یک حکومت دینی، یا تظاهر به طرف‌داری یا نمایندگی از یک گروه نژادی یا طبقه خاص اجتماعی برای حزب‌های سیاسی ممنوع است. ترکیه از نظر مدیریتی و اداره کشور از هشت استان (ایلر)^۱ تشکیل شده است که به نوبه خود به زیر استانها (ایلچه‌لر)^۲ و پس از آن به بخش‌ها تقسیم می‌شوند؛ یک فرماندار

^۱ Iller

^۲ İlçe ler

(والی) که از سوی وزیر کشور بر این مقام گماشته می‌شود، ریاست هر استان را بر عهده داشته و نماینده دولت محسوب می‌شود. نهادهای نمایندگی که به صورت محلی در روستاها، شهرها و استان‌ها برگزیده می‌شوند نیز دارای نقش حکومتی هستند.

رهبری و مقامات سیاسی: بیشتر رهبران سیاسی ترکیه از افسران رده بالای ارتش، استادان دانشگاه‌ها یا بازرگانان موفق بوده‌اند. بسیاری از فرمانداران استانی از ژنرال‌های پیشین یا گردانندگان امور شهری هستند که از برنامه مدیریت عمومی دانشگاه آنکارا فارغ التحصیل شده‌اند. بزرگان و سران ارتش خود را نگهبان قانون اساسی و آرمان‌های آتاتورک می‌دانند. ارتش از راه شورای امنیت ملی که از نخست وزیر، فرمانده ستاد ارتش، وزیران ملی، کشور و امور خارجه و فرماندهان نیروهای مسلح و ژاندارمری تشکیل یافته است، بر امور و مسائل دولتی نفوذ دارند. این نهاد، سیاست امنیت ملی را تأمین می‌نماید.

رهبران نظامی همواره به طور ویژه نگران تهدیدها بر ضد سکولاریسم و یکپارچگی دولت و ملت بوده‌اند. در سال ۱۹۹۷ ارتش بر شورای امنیت ملی به نمایندگی نخست وزیر نجم‌الدین اربکان نسبت به مسائلی چون نهادهای مذهبی، وادارسازی به ممنوعیت پوشش دینی در مکان‌های عمومی، بستن برخی از مدارس مذهبی زیر پوشش دولت، رابطه با ایران و کاهش فعالیت‌های سازمان‌های مذهبی چیره شده و رأی خود را به کرسی نشاند.^۱

شهروندان همواره عرض حال و درخواست‌های خود را برای کمک یا بذل توجه نزد مقام‌های منتخب خودشان می‌برند؛ مردم برای رساندن درخواست و درخواست خود به این مقام‌ها از کمک دوستان و آشنایان یا حمایت کننده مالی وی یا عضوی از خانواده او بهره‌مند می‌شوند، مگر آن که خود به طور شخصی با یکی از این مقام‌ها آشنایی داشته باشند.

قانون ترکیه فعالیت حزب‌های کمونیستی و مذهبی را ممنوع کرده است. حزب‌های فعال در ترکیه شامل دامنه‌ای از احزاب سوسیالیست (حزب چپ دموکراتیک) گرفته تا نیمه

^۱ با محدود کردن و بستن احزابی هم چون حزب رفاه اسلامی و رئیس آن نجم‌الدین اربکان و حتی محکوم شدن وی، با تجربه ای که احزاب اسلام‌گرا در این مسیر دست یافتند، حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به وجود آمد که توانست بر تمام نهادهای قانونی ترکیه مستولی شود.

محافظه کار و مشاغل آزاد (حزب مام میهن)، تا فرانسویانالیست های دست راستی (حزب کنش ملی)، تا نزدیک به مذهب (حزب پرهیزکاری) می شود.

کنترل و نظارت اجتماعی: اجرای قانون و برقراری امنیت ملی را در وهله اول پلیس ملی در نواحی شهری و ژاندارمری در نواحی روستایی بر عهده دارند؛ با این وجود، در مناطقی که در شرایط اضطراری یا حکومت نظامی قرار دارند، ژاندارمری زیر نظر ارتش اقدام می نماید. پلیس ملی مسلح بوده، در نحوه کنش و واکنش در شرایط متفاوت صاحب اختیار است. پلیس ترکیه به دلیل رفتار خشونت بار با افراد دستگیر شده برای گرفتن اعتراف یا اطلاعات در زمان بازداشت یا بازجویی، همواره در مظان اتهام قرار داشته است؛ دولت در همین رابطه برنامه هایی آموزشی را در جهت رعایت حقوق بشر برای پلیس به اجرا در آورده است.

ژاندارمری نگهبان و تأمین کننده امنیت در بیرون از مرزهای شهری بوده، از مرزهای سرزمینی در برابر ورود غیرقانونی و سوداگری حفاظت می کند. استخدام دولتی تنها در صورت انجام خدمت سربازی انجام می پذیرد. ژاندارمها نیز به جهت رفتار خشونت بارشان هم چون پلیسها مورد اتهام هستند.

ترکیه در سال ۱۹۲۶ در امور کیفری پیروی از شرع اسلامی را کنار گذاشته، قوانین کیفری ایتالیا را اقتباس نمود. جرایم جدی این کشور شامل جنایت از پیش طراحی شده، دزدی، آتش سوزی عمدی، دزدی مسلحانه، سوء استفاده از اموال دولتی، گواهی دروغ و تجاوز می شود. سخنرانی سیاسی توهین آمیز به رئیس جمهور، ارتش و مجلس جرم اعلام شده است. قانون ضد ترور هرگونه تبلیغ شفاهی یا نوشتاری، همایش و راه پیمایی را با هدف آسیب زدن به اتحاد ملی جرم شناخته است. مجازات مرگ برای جرم های جدی بر ضد کشور و قتل از پیش طراحی شده به اجرا در می آید، اما از سال ۱۹۸۴ به این سو هیچ اعدامی صورت نگرفته است. محکومیت به یکی از جرم های جدی می تواند فرد را از داشتن حقوق اجتماعی، رأی دادن و داشتن شغل های مهم محروم سازد.

وقوع جرم های عادی در مقایسه با دیگر کشورهای خاورمیانه کمتر اتفاق می افتد. رایج ترین جرائمی که در سال ۱۹۹۱ به زندانی شدن مجرمان انجامید عبارت بودند از جرم هایی بر ضد حق مالکیت (۱۳۶۰)، جرم هایی بر ضد افراد (۵۱۷۹) و جرم های برهم زنده آسایش عمومی و نظم خانواده" (۲۶۱۱). هر ساله شمار نامشخصی از مردم به دلیل

ارتکاب جرم‌های مرتبط با اندیشه و فعالیت غیرقانونی سیاسی، مانند جانبداری از تشکیل حکومت اسلامی یا حقوق فرهنگی برای یک اقلیت نژادی زندانی می‌شوند. نیروهای امنیتی ترکیه افزون بر خطر ناسیونالیسم کردی، نگران مسائلی هم چون سوداگری مواد مخدر نیز هستند چرا که ترکیه یکی از مسیرهای انتقال مواد مخدر از پاکستان، افغانستان و ایران به اروپا است.

فعالیت‌های نظامی: از زمان پیوستن ترکیه به پیمان آتلانتیک شمالی در سال ۱۹۵۲، این کشور دارای ارتشی بزرگ متشکل از نیروهای زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوایی، گارد ساحلی و ژاندرمری بوده است. ارتش ترکیه در سال ۱۹۹۴ دارای ۵۰۳،۸۰۰ افسر، درجه‌دار و نیروی وظیفه بود. پدافند یا دفاع به طور معمول بزرگ‌ترین سهم را در بودجه ملی به خود اختصاص می‌دهد، به گونه‌ای که از ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱، میانگین ۲۰ درصد از کل هزینه‌های دولتی را به خود اختصاص می‌داد.

ارتش ترکیه در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و امنیتی نیز نقش‌هایی ایفا می‌کند. رهبران نظامی که در سال ۱۹۲۳ جمهوری ترکیه را بنیاد نهادند، دولت‌های غیر نظامی را در سال ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ تغییر دادند و در سال ۱۹۷۱ دولت غیرنظامی را وادار به ترک قدرت نمودند. ارتش به خاطر اجباری بودن خدمت سربازی یک نهاد مهم ملی اجتماعی برای مردان جوان از همه منطقه‌ها، طبقه‌ها و نژادها به شمار می‌رود.

رفاه اجتماعی: بر طبق برآورد دولت در سال ۱۹۹۸، ۸۳.۱ درصد از جمعیت ترکیه زیر پوشش تأمین اجتماعی دولتی و خدمات بازنشستگی قرار داشتند. کارفرمایان، حق بیمه آسیب‌های مربوط به کار، بیماری‌های شغلی و مرخصی بارداری را می‌پردازند، در حالی که حق بیمه بیماری، از کار افتادگی، بازنشستگی و بیمه عمر را کارفرما و کارمند با هم پرداخت می‌کنند؛ دولت هم چنین بیمه تأمین اجتماعی را به خود اشتغالان ارائه داده و پرورشگاه‌ها را اداره می‌نماید. انجمن‌های محلی یا سازمان‌های غیردولتی مربوط به مساجد و پیشه‌ها نیز به تأمین زندگی مستمندان کمک می‌رسانند.

سازمان‌ها و نهادهای غیر دولتی: یکی از مهم‌ترین سازمان‌های غیردولتی بنیاد تعاون ارتش^۱ است که در سال ۱۹۶۲ پدید آمد. این سازمان زمام یک صندوق بسیار

¹ Army Mutual Assistance Foundation

بزرگ سرمایه‌گذاری متشکل از پرداختی‌های اجباری و داوطلبانه کارکنان ارتش و سود حاصل از سرمایه‌گذاری را در دست دارد. این سازمان در صنایع خودرو، خودروهایی سنگین، تراکتور و تایر پتروشیمی، سیمان، صنایع فرآوری مواد غذایی، خرده‌فروشی و خدمات سرمایه‌گذاری عظیمی نموده است. ارتش ترکیه از راه اداره بنیاد تعاون ارتش توانست با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی شریک شده و در سودهای اقتصادی آنان سهمی داشته باشد. به دلیل سرمایه‌گذاری‌های بنیاد تعاون ارتش، امنیت اقتصادی هزاران نفر از نیروهای مسلح در حال کار و بازنشسته به سودآوری بنگاه‌های بزرگ سرمایه‌داری وابسته شده است. در نتیجه منافع شرکتی ارتش به حوزه‌های قانون کار، هم‌گرایی تجاری، سیاست تجاری و پولی، مالیات بر شرکت‌ها، تعرفه‌ها، بانکداری سرمایه‌گذاری و امور مرتبط گسترش یافت.

دیگر سازمان‌های غیردولتی اصلی شامل انجمن تجاری ترک که بازتاب دهنده منافع بازرگانان، صنعت‌گران و دلالان کالا است، کنفدراسیون اتحادیه‌های کارفرمایان ترکیه، که بازتاب دهنده خط‌مشی کارفرمایان است، و کنفدراسیون اتحادیه‌های تجاری ترکیه که نماینده امور کار این کشور است، می‌شود؛ افزون بر اینها، سازمان‌های غیردولتی در همه جهت‌گیری‌های منافع گروه‌های صنعت کاران، ورزش، موارد اجتماعی، آموزش، مذهب و هنر وجود دارند.

نقش‌ها و حقوق جنسیتی

تقسیم جنسیتی کار: قانون ترکیه پرداخت برابر در ازای کار برابر را تضمین می‌نماید و به طور عملی همه برنامه‌های آموزشی و شغلی را برای زنان آزاد کرده و راه را باز گذاشته است؛ مدرسه‌های مذهبی امام‌های جماعت را تربیت می‌کنند و شغل امام جماعت‌ها از این امر مستثنی است. به طور کلی مردان در شغل‌های رده بالای کسب و کار، ارتش، دولت، حرفه‌ها و امور فرهنگی در مرتبه بالاتری قرار دارند. مطابق با ارزش‌های سنتی، زنان باید به کارهای خانه بپردازند و در محیط‌های بیرون از خانه کار نکنند یا بدون داشتن هیچ‌گونه تماس و ارتباطی با مردان کار کنند؛ با این وجود، زنان بیشتر و بیشتر در جامعه به کار می‌پردازند.

زنان طبقه پائین به طور کلی به عنوان پیش‌خدمت، کارگر نظافتی منزل، خیاط

زنانه، پرستار بچه، کارگر کشاورزی و پرستار به کار مشغول می‌شوند، اما در سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ در حدود بیست درصد از کارگران کارخانه‌ها و بسیاری از فروشندگان فروشگاه‌ها زن بودند. زنان طبقه متوسط بیشتر به عنوان معلم و کارمند بانک کار می‌کنند، در حالی که زنان طبقه بالا بیشتر به عنوان پزشک، وکیل، مهندس و مدرس دانشگاه به کار مشغول هستند. تنها درصد اندکی از زنان، سیاست‌مدار هستند. مردان در همه این زمینه‌ها و حوزه‌ها به کار مشغول هستند، اما زنان طبقه پائین از کار در شغل‌های به طور سنتی غیرکشاورزی پرهیز می‌کنند. مردان رتبه افسری در ارتش، شغل‌های ترابری، هم چون خلبانی، رانندگی تاکسی، کامیون و اتوبوس را در انحصار دارند. در نواحی شهری مردان طبقه پائین در صنایع تولید و خدمات با دست مزد پائین مشغول هستند.

مردان طبقه متوسط به عنوان معلم، حساب‌دار، بازرگان و مدیران رده میانه مشغول به کار هستند. مردان طبقه بالا به عنوان مدرس دانشگاه، صاحبان حرفه، مدیران رده بالا و صاحبان شرکت‌های بزرگ در جامعه حضور دارند.

ازدواج، خانواده و خویشاوندی

ازدواج. ترک‌ها از یک فرد بالغ انتظار دارند ازدواج کرده، صاحب فرزند شود و اکثریت آنان نیز همین کار را می‌کنند. از آن جایی که مردان نباید در پی ازدواج سطح زندگی همسر خود را پائین بیاورند، با زنی از طبقه اقتصادی بالاتر از خود ازدواج نمی‌کنند. مردم به طور کلی درون فرقه مذهبی، دینی و نژادی خود ازدواج می‌کنند، اگرچه ازدواج‌های میان نژادی مسلمانان سنی با یکدیگر چندان غیر مرسوم نیست. در جامعه سنتی ترکیه برگزیدن همسر و مراسم ازدواج توسط گروه‌های خویشاوندی نظارت می‌شود. کسانی که می‌خواهند با هم ازدواج کنند در دوره پیش از ازدواج نقش اندکی را ایفا می‌نمایند. تشریفات مذهبی، به ویژه حضور امام (جماعت)، برای انجام یک ازدواج شرعی و اخلاقی ضروری است.

در سال ۱۹۲۶ دولت انقلابی ترکیه قوانین خانوادگی اسلامی را کنار گذاشته، نسخه‌ای کمی دگرگون شده از قانون خانواده سوئیس را اقتباس نمود. قانون خانواده نوین تنها مراسم ازدواج شهروندی را لازم دانسته و به رسمیت می‌شناسد. رضایت هر

دو فرد بالغ برای بستن قرارداد ازدواج امری ضروری بوده، قانون تنها تک همسری را به رسمیت می‌شناسد. با وجود آن که قانون دخالت پدر و مادر در امر ازدواج و توافق‌های مربوط به آن از جانب فرزندان را ممنوع دانسته، اما ازدواج‌هایی که در آن رضایت عروس در نظر گرفته نمی‌شود، امری رایج است. در نظرسنجی انجام شده در سال ۱۹۶۸، ۱۱.۴ درصد از زنان چنین گفتند که ازدواجشان را خانواده آنها برنامه‌ریزی کرده و رضایت ایشان را در نظر نگرفته‌اند، در حالی که ۶۷ درصد آنان ابراز داشتند که ازدواجشان با برنامه‌ریزی از سوی خانواده اما با رضایت آنها انجام گرفته است. رقم ازدواج‌های نارضایت‌مندانه گرفته از ۷.۷ درصد برای زنان استانبولی و آنکارایی، تا ۱۱.۳ درصد در ازمیر و تا ۱۲.۵ درصد زنانی که در شهرهای کوچک، شهرک‌ها و روستاها زندگی می‌کردند، متفاوت بود. آمار ۴۹.۹ درصدی مردانی که طی نظرسنجی بیان نمودند که حرف آخر را در ازدواج آنها پدران یا خویشانشان زده است، کمی جالب توجه است. پاسخ‌هایی که به برآورد این آمار انجامید از ۵۹.۱ درصد در روستاها و شهرهای کوچک تا ۱۵.۳ درصد برای شهرهایی هم چون استانبول، آنکارا و ازمیر متفاوت بود. امروزه تعداد بالایی از ازدواج‌ها با رضایت دو طرفه شکل می‌گیرد، اما خانواده‌ها هنوز هم نقش پیشنهاد دهنده و شناساندن همسران بالقوه را به ویژه برای دخترانشان ایفا می‌کنند.

اگرچه طلاق در شرع اسلام گناه دانسته نشده است، اما در ترکیه بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد. در صورت رخداد طلاق، مردانی که سرپرستی فرزند نیز با آنان است به سرعت با زنان مطلقه دوباره ازدواج می‌کنند. قانون نوین، حق شرعی - اسلامی اقدام یک جانبه به طلاق از سوی مرد را حذف نموده، انجام طلاق را نیازمند طی مراحل دادرسی و دادگاهی نموده است. قانون تنها چند زمینه را برای طلاق باز می‌شناسد که عبارت‌اند از: زنا، بدرفتاری جنسی، توهین و دشنام، زندگی مجرمانه یا ناشرافت‌مندانه، خیانت، ترک همسر، نبود سلامت روانی و عدم تفاهم. نیاز به داشتن شاهد برای اثبات یکی از این زمینه‌ها آن چنان دشوار و اساسی پیش‌بینی شده که به طور معمول رسیدن به نقطه اثبات بسیار سخت است. یک زوج نمی‌تواند به صرف داشتن رضایت دوطرفه از هم طلاق بگیرند.

نهاد خانواده: بیشتر ترک‌ها به طور سنتی املاک فرد از دنیا رفته یا نیاکان خود، به ویژه

خانه‌ها و زمین را از راه ذکور به ارث می‌برند. اگرچه بیشتر خانوارها تنها از یک هسته خانواده تشکیل شده است، اما خانوار آرمانی به ویژه در میان روستائیان و شهریان ثروتمند خانواری است که خانه پدری گسترش‌پذیر باشد؛ یعنی پسری که ازدواج می‌کند با همسرش در خانه پدرش زندگی کنند. واحدهای پایه‌ای خویشاوندی شامل خانواده (آیله)^۱ همان عائله، و خانوار (هانه^۲ همان خانه) می‌شود. اعضای خانوار به طور معمول با همدیگر غذا می‌خورند و درآمد و هزینه را با هم شریک هستند. واحد بزرگ‌تر بعدی زادمان نیا است که در ترکی سولاله^۳ (سالاله) نامیده می‌شود و شامل فرزندان است که نیای پدری مشترک دارند. هنگامی که شجره‌نامه پدری برای عثمانی‌های قدیمی و نجیب‌زاده و مردم عشایر بسیار مهم بود، اما این موضوع برای بیشتر ترک‌ها کوچک‌ترین اهمیتی نداشت.

سیمای خانوار سنتی ترکیه‌ای در مردسالاری، احترام به بزرگ‌ترها و زیر دست بودن زنان است. پدر یا بزرگ‌ترین فرد مذکر، رئیس خانوار بوده و فردی صاحب اختیار است که خواهان احترام و فرمان‌برداری است؛ مادر نیز مورد احترام است، اما رابطه او با فرزندانش گرم و صمیمانه است.

اگرچه اختیار تام به طور معمول در دست پدر است، اما در خانواده ترک، مادر کانون خانواده است. مادر بیشتر وقت خود را در خانه گذرانده، امور داخلی خانه را مدیریت و راهبری می‌نماید. تقسیم کار به طور سنتی روشن است که در آن زنان مسئولیت کارهای درون خانه را داشته، در حالی که مردان مسئول درآمدزایی و انجام امور بیرون از خانه را عهده‌دار هستند؛ تا پیش از دهه ۱۹۶۰، چه بسا خرید ارزاق هم یک وظیفه مردانه به حساب می‌آمد.

در دهه‌های اخیر بسیاری از این رسم‌ها دگرگون شده اند. قانون خانواده نوین، به زنان حقوق برابر با مردان برای داشتن ملک شخصی و ارث بردن اعطا نموده است.

وضعیت اجتماعی: زنان وابستگی بسیاری به فرزندان‌شان دارند. تغذیه با شیر مادر به مدت یک سال یا بیشتر امری مرسوم است. کودکان را به طور معمول در گهواره‌ای کنار پدر و مادر می‌خوابانند. پسران را طوری تربیت می‌کنند که شجاع، پرادعا، مغرور و

¹ aile

² hane

³ sulale

حرمت نگهدار بزرگ‌ترها باشند. رسم ختنه در فاصله سال‌های ۹ تا ۱۲ زندگی‌شان به اجرا در می‌آید و به آنها می‌گویند که اکنون به شجاعت یک شیر هستند. دختران را طوری تربیت می‌کنند که عقیف، حرف شنو، حامی مرد، پرهیزکار و ماهر در انجام کار خانه باشد. پدران، امر کنندگانی صاحب اختیار هستند در حالی که مادران به طور کلی پرمهر و پرستارخو هستند.

هر زنی پس از به دنیا آوردن کودک بسیار شاد می‌شود، چرا که چنین رخدادی جایگاه وی را نزد شوهر، خانواده شوهر و اجتماع بالاتر می‌برد. یک مادر به طور معمول فرزند پسرش را تا ۱۰ - ۱۱ سالگی بسیار نزدیک به خود با نازپروردگی بار می‌آورد، تا پس از آن بیشتر وقت خود را با دیگر مردان خانواده سپری کند و به جمع مردان بیشتر نزدیک شود. مادران و دختران به طور ویژه‌ای به هم نزدیک هستند، چرا که دختران بیشتر وقتشان را در دوره پیش از ازدواج با مادرانشان سپری کرده، به یادگیری مهارت‌های زندگی می‌پردازند؛ اما رابطه پدر و دختر کمی رسمی‌تر بوده، کمتر در پیش عموم ابراز محبت می‌کنند. اگرچه پسر یا دختری می‌تواند با مادرش به شوخی یا بگو مگو بپردازد اما در رفتار با خود همواره احترام را رعایت می‌کنند.

رابطه میان برادران و خواهران در دوره پیش از بلوغ، آزادانه و به آسانی صورت می‌گیرد؛ پس از این دوره موقعیت رابطه آنها تغییر می‌یابد، به گونه‌ای که برادر یا خواهر بزرگ‌تر برخی از حقوق یا وظایف یک پدر یا مادر را دارا می‌شود. خواهر بزرگ‌تر (آبلا)^۱ مانند مادر دومی می‌شود که به خاطر مهر و رفتار گرمش دوست داشتنی است. برادر بزرگ‌تر (آقا بیگ) به موقعیتی یاری‌دهنده و در عین حال صاحب اختیارگونه هم چون یک پدر کوچک می‌شود. در خانواده‌های بزرگ‌تر، نیاکان بیچه‌ها، به ویژه مادر بزرگ‌ها، مراقبت خوبی از کودکان می‌نمایند.

رفتن به مدرسه تا سن ۱۴ سالگی اجباری است. نخستین روز کلاس با آداب مهم و ویژه برگزار می‌شود. کودکان روپوش‌هایی سیاه و یقه‌دار بر تن می‌کنند و با شکوه و مراسم خاصی به مدرسه برده می‌شوند. بیشتر خانواده‌هایی که توانایی آن را دارند فرزندان خود را فراتر از سن ۱۴ سالگی نیز به مدرسه می‌فرستند. بیشتر خانواده‌ها

^۱ Abla

دوست دارند فرزندان‌شان به ویژه پسرانشان را در دانشگاه ببینند که این امر برای خانواده‌های مستمند به ندرت رخ می‌دهد.

آداب معاشرت: آداب رسمی معاشرت، جزئی جدا ناشدنی از فرهنگ ترکیه است، و بر بیشتر رفتارهای اجتماعی در مکان‌های عمومی سایه افکنده است. فرهنگ ترکیه برای هر موقعیت عملی یک دستور زبانی دقیق دارد. بیان قاعده و دستور مناسب برای هر یک از موقعیت‌های رفتاری از ضروریات آداب معاشرت است.

در رفتارهای رویاروی میان دو جنسیت یا دو نسل، آداب معاشرتی سخت‌گیرانه‌ای حاکم است. افراد بزرگ‌تر را همواره به صورت رسمی خطاب می‌کنند مگر آن که از دوستان یا خویشان نزدیک باشند. برای نمونه مردان بزرگ‌تر را باید با عنوان «بی»^۱ (بیک) به معنی آقا و زنان را با عنوان هانم^۲ یا همان خانم خطاب کرد. افراد کوچک‌تر باید در هنگام حضور در یک جمع آرام و مؤدب باشند. افراد بالغ دو جنس مخالف در مکان‌های عمومی نباید رفتاری غیرجدی یا ابراز مهر و محبت نسبت به یکدیگر داشته باشند. دوستان هم جنس می‌توانند دست یکدیگر را گرفته و در هنگام احوال‌پرسی گونه‌های یکدیگر را ببوسند. مردان در هنگام دیدار دست یکدیگر را می‌فشارند اما یک مرد تا هنگامی که زنی دست به سوی او دراز ننموده نباید دست وی را بفشارد.

مردم ترکیه به خاطر دیرکردن و تأخیر، همدیگر را نکوهش نمی‌کنند. در دیدارها و نشست‌های تجاری، چای نوشیده می‌شود و صحبت‌های بی‌ربط به موضوع کاری گفته می‌شود. توجه به همراه، امر مهمی است. کسی بی آن‌که به دوست یا همراه خود تعارف کند نه چیزی خورده و نوشیده و نه سیگار می‌کشد.

خانه‌ها به بخش اندرونی و مهمان‌خانه تقسیم شده‌اند و سرک کشیدن به پیرامون خانه، کار ناشایستی است. در نظر ترک‌ها کف کفش‌ها ناپاک است و اگر کسی وارد خانه یا مسجدی بشود، باید کفش خود را از پا بیرون کند.^۳

^۱ Bey

^۲ Hanim

^۳ این عمل، یعنی در آوردن کفش‌ها هنگام ورود به خانه‌ها و یا مساجد، بیشتر ناظر به احترام به این مکان‌ها است.

دین

اعتقادات دینی: سنت، ایدئولوژی و شرع اسلام برای ترک‌ها اهمیت بسیاری دارند. در حدود ۹۸ درصد ترک‌ها مسلمان هستند، که از این میان ۷۵ درصد سنی مذهب و وابسته به مکتب حنفی بوده و ۲۰ تا ۲۵ درصد نیز شیعه مذهب (بیشتر علوی) هستند. مسلمانان ترکیه وظایف و واجبات مرسوم اسلامی را به جای می‌آورند اما تنها مذهبی‌ترین افراد در میان آنان روزه می‌گیرند و به حج می‌روند. تعدادی از مردم ترکیه خود را بی‌خدا و منکر وجود خدا می‌دانند.

اسلام برای بیشتر ترک‌ها نقش مهمی را در راه و روش زندگی ایفا می‌نماید به گونه‌ای که نام‌گذاری پس از زاده شدن، ختنه پسران، ازدواج و سوگواری از نشانه‌های التزام به سنن اسلامی هستند. دولت، آموزش مذهبی را مورد نظارت و بازرنگری قرار داده است و بیشتر پرسنل مذهبی با فرانگری و نظارت بر حوزه‌های علمیه که امام‌های سنی را تربیت کرده و صدور گواهی امام شدنشان به عنوان کارمندان دولتی که در مسجدهای محلات کار می‌کنند، به این کار اقدام می‌ورزند.

در دهه‌های اخیر، اسلام بنیادگرا که از حمایت حدود بیست درصد مردم هم برخوردار است، دوباره احیا شده است. نسبت کوچکی از مردم ترکیه در اخوت‌ها و مراتب صوفی‌گری شرکت می‌جویند.

مهم‌ترین رخدادهای در تقویم اسلامی ترکیه از این قرارند: ماه رمضان، شب قدر، بیست و هفتم ماه رمضان، عید شکر که تعطیلات ملی سه روزه‌ای را در پی دارد و عید قربان که تعطیلات ملی چهار روزه‌ای است. ۲.۵ میلیون گوسفند در این روز قربانی شده‌اند که بیشتر گوشتشان میان همسایه‌ها پخش شده یا به افراد مستمند خیرات می‌شود.

خدمات پزشکی و مراقبت‌های درمانی

در طی دو دهه گذشته خدمات پیشرفته پزشکی در ترکیه گسترش یافته‌اند. وزارت بهداشت این اختیار را دارد که مراقبت‌های پزشکی و خدمات تندرستی پیش‌گیرانه را تأمین کند، پرسنل درمانی و پزشکی را پرورش دهد، به ساخت و اداره بیمارستان‌ها

وکلینیک‌ها پردازد، مکان‌های درمانی خصوصی را بازرسی و به وضعیت داروخانه‌ها رسیدگی نماید. ترکیه در سال ۱۹۹۵ دارای ۵۰۰،۱۲ مکان بهداشتی و درمانی اعم از درمان گاه و بیمارستان و یک پزشک در ازای هر ۲۰۰،۱ نفر بود. سرخک، تب تیفوئیدی، دیفتری و سیاه سرفه در ترکیه از دهه ۱۹۷۰ کاهش چشم‌گیری داشته است. میزان مرگ و میر در میان نوزادان از ۱۲۰ در ازای هر ۱،۰۰۰ نوزاد در سال ۱۹۸۰ به ۵۵ نفر در ازای هر ۱،۰۰۰ نوزاد در سال ۱۹۹۲ کاهش یافته است. در مناطق روستائی بیشتر بچه‌ها را قابل‌ها به دنیا می‌آورند.

بیشتر ساکنان شهرها به امکانات درمانی همگانی دسترسی دارند اما برای شهروندان روستائی چنین نیست. در حومه شهرها و بیلاقات و میان مهاجران تازه به شهر آمده، پزشکی کهن و سنتی هنوز انجام می‌گیرد. زنان دهاتی پزشکی سنتی را که شامل گیاهان داروئی، ادویه‌جات، نیایش و دعا و تشریفات مذهبی است از مادرشان فرا گرفته و افزون بر شیوه‌های درمانی نوین، در مورد اعضای خانواده خویش به کار می‌بندند. برخی مردان به طور سنتی در پزشکی سنتی تخصص دارند.

مراسم و جشن‌های عمومی

جشن غیر دینی اصلی و تعطیلات رسمی با روز سال نو در یکم ژانویه که برگرفته از فرهنگ غرب است آغاز می‌شود. بسیاری از مردم در این روز کارت تبریک به یکدیگر می‌دهند و برخی دیگر نیز به روش غربی این روز را جشن می‌گیرند. روز حاکمیت ملی در ۲۳ آوریل یادآور نخستین جلسه مجلس اعظم ملی است. از آن جایی که ۲۳ آوریل هم چنین روز ملی کودکان نیز هست، بخش عمده این روز به فعالیت‌های کودکان از جمله آواز و تک نوازی‌های کودکان اختصاص می‌یابد. روز ورزش و جوانان در زادروز آتاتورک در روز ۱۹ ماه می گرامی داشته می‌شود. روز پیروزی، یادآور نبردهای پیروزی آور در طی جنگ استقلال ترکیه، در روز سی‌ام آگوست برگزار می‌شود. روز جمهوری در بیست و نهم اکتبر یادآور اعلام جمهوریت ترکیه در سال ۱۹۲۳ از سوی آتاتورک است؛ هر دوی روزهای پیروزی و جمهوری با اجرای موسیقی‌ها، سخنرانی‌ها و نمایش‌های میهن پرستانه برگزار می‌شوند.

ادبیات و هنر

ادبیات: تا نیمه‌های سده نوزدهم میلادی، کانون ادبیات ترکی در دربار عثمانی بود که به تولید شعر و نثر می پرداخت؛ چنین ادبیاتی آمیزه‌ای از سبک‌های کلاسیک فارسی، عربی و ترکی بود. تأثیرات غرب بر ادبیات ترکیه در دهه ۱۸۶۰ با گروهی از اندیش‌مندی که می‌کوشیدند شکل‌های فرهنگی غرب را با شکل ساده‌تری از زبان ترکی بیامیزند، پدیدار گشت؛ این روند غربی‌سازی درون سده نوزدهم ادامه یافته و تا پیش از آغاز جنگ جهانی نمود بیشتری یافت. پس از سال ۱۹۲۳، جمهوری ترکیه شمار درخور توجهی از داستان‌نویسان، شاعران، خوانندگان، موسیقی‌دانان و هنرمندان را در دامان خود پروراند. داستان‌نویسانی که به شهرتی جهانی دست یافتند شامل خالده ادیب^۱، رشاد نوری گؤنتکین^۲ و تازه‌تر از آنها، اُرهان پاموک^۳ می‌شوند. چندین اثر مهم در خصوص زندگی روستایی نوشته شده‌اند از جمله یابان^۴ (نویسنده آن را غریب معنی کرده ولی در اصل به معنای دهاتی است) کار یعقوب قدری قارا عثمان اغلو^۵ در دهه ۱۹۳۰، روستائی در آناتولی کار محمود کمال^۶ و محمد شاهین از نوشته‌های یاشار کمال^۷ که در سال ۱۹۶۱ توجه جهانی را به سوی خود جلب کردند.

به طور کلی اُرهان ولی^۸، به عنوان پدر شعر نو ترکیه شناخته می‌شود، شعری که سیمای اصلی آن در شورش برابر قالب‌های سخت گذرناپذیر فکری و نوعی شیفتگی و ابراز احساسات لحظه‌ای نهفته است. برخی از شاعران رویارویی با قالب‌ها و پندارهای کهنه را در شعر خود آزموده‌اند و بسیاری دیگر توجه خود را به مسائل دموکراتیک اجتماعی معطوف کرده‌اند.

پشتیبانی از هنر: وزارت فرهنگ، سیاست پیشرفت هنر غیرمذهبی ترکیه‌ای را به اجرا در آورده است؛ در این برنامه، تعداد اندکی بورسیه تحصیلی برای فراگیری هنر و

¹ Halede Emin

² Resad Nuri Guntekin

³ Orhan Pamuk

⁴ Yaban

⁵ Yakub Kadri Kara Osman Oglu

⁶ Mahmud Kemal

⁷ Yasar Kemal

⁸ Orhan Veli

موسیقی در اروپا، به ویژه فرانسه، در نظر گرفته شده است. وزارت فرهنگ هم‌چنین از فرهنگستان هنرهای زیبا و موزه‌های هنری در شهرهای بزرگ پشتیبانی می‌نماید. بیشتر هنرمندان از میان طبقه‌های متوسط و بالای شهرهای بزرگ سر بر می‌آورند. هنرمندان نگارگری، اتکای فراوانی به شرکت‌های بزرگ و طبقه بالا برای خرید کارهایشان دارند؛ این دسته، کارهایشان را در نمایشگاه‌های خصوصی و شمار اندکی در فروشگاه‌های هنری به فروش می‌رسانند. هنرمندان صنایع سستی که سرامیک، قالی، گلیم، کارهای برنجی و مسی و قلاب‌دوزی تولید می‌نمایند، بازار گسترده‌تری برای محصولاتشان دارند. بسیاری از پیکرترشان و مجسمه‌سازان وابستگی زیادی به سفارش‌های دولتی دارند.

هنرهای تصویری: نفوذ و تأثیر غرب بر هنرهای نگارگری در اواخر دوره عثمانی با بنیاد نهادن فرهنگستان هنرهای زیبا در استانبول آغاز شد که تا به امروز نیز هنرمندان اروپایی یا هنرمندان ترکیه‌ای تحصیل کرده در اروپا این راه را ادامه داده‌اند. در دوره‌های پس از تشکیل جمهوری، هنر ترکیه آمیزه‌ای از سبک‌های غربی و بومی تشکیل یافته است؛ همه هنرمندان مورد توجه در ترکیه در این فرهنگستان یا در اروپا درس خوانده‌اند. برخی از ایشان در قالب‌های اروپایی کار می‌کنند در حالی که دیگران به دنبال سبکی ترکیه‌ای هستند و مناظر ترکیه هم چون روستاها و شهرها را به تصویر می‌کشند. بسیاری از مجسمه‌سازان، سفارش انجام کار را برای آفرینش یادمان‌هایی با روی کرد به آتاتورک و دیگر انگاره‌های میهن پرستانه دولت دریافت می‌کنند.

هنرهای نمایشی: شمار نمایش نامه‌های خارجی از آثار ترکیه‌ای بیشتر است، با این وجود شمار بینندگان تئاتر در دهه‌های اخیر افزایش یافته است و بسیاری از نمایش‌نامه نویسان ترکیه‌ای که تکنیک‌های غربی را با مسائل اجتماعی ترکیه در هم آمیخته‌اند، فرصت ارائه کار یافته‌اند.

در دو شهر استانبول و آنکارا، شرکت‌های اپرایی اقبال شایان توجهی دارند. ارکستر سمفونیک رئیس جمهوری، هم در آنکارا و هم به صورت گردش، به اجرای کنسرت می‌پردازد. آنکارا و استانبول دارای کنسرواتوارهایی هستند که در هر یک، مدرسه آموزش باله هم وجود دارد. چندی از آهنگ‌سازان ترکیه‌ای که سرشناس‌ترین آنان

عدنان سایگون^۱ است، ستایش و تحسین اهل هنر را به خاطر هم‌جوشی و آمیزش موسیقی سنتی ترکیه‌ای با قالب‌های غربی در اروپا و آمریکا برانگیخته‌اند. کنسرواتوار موسیقی استانبول گام‌هایی را در راستای حفظ و نگه داشت موسیقی قومی یا مقامی با ضبط آنها در سراسر کشور برداشته است. برگزاری جشنواره‌های هنرهای سنتی سالانه در استانبول چهره‌گشاده‌ای را از موسیقی ترکیه‌ای به تصویر در می‌آورد.

وضعیت علوم طبیعی و اجتماعی

بیشتر پژوهش‌های علمی در شمار اندکی از دانشگاه‌ها در آنکارا، استانبول و ازمیر به انجام می‌رسد؛ دولت هزینه دو سوم این پژوهش‌ها را تأمین می‌نماید. بنیاد گسترش فن‌آوری ترکیه^۲ امتیازاتی را برای فعالیت‌های پژوهش و گسترش (R&D) صنعتی، بیشتر در زمینه‌های الکترونیک، ارتباطات از راه دور و فن‌آوری‌های زیست محیطی تأمین می‌نماید. وزارت‌خانه امور روستایی و وزارت مسکن و خانه‌سازی منابعی مالی را برای پژوهش‌های علمی اجتماعی تأمین می‌نمایند.

در عمل همه پیش‌گامان دانش‌های طبیعی، اجتماعی و مهندسی ترکیه بخشی از تحصیلاتشان را فراتر از مرزها به ویژه در ایالات متحده گذرانده‌اند. ترکیه بخش عمده‌ای از فن‌آوری خود را در زمینه‌های فرآوری مواد غذایی، فلزها و پارچه از خارج تأمین می‌نماید. شورای عالی دانش و فن‌آوری^۳ که نهاد سیاست‌گذاری‌های دانش و فن‌آوری کشور است، اهداف پژوهش و گسترش را برای فعالیت‌های با اولویت بالا تنظیم می‌کند که عبارت‌اند از: فن‌آوری اطلاعات، مواد اولیه پیشرفته، زیست‌فن‌آوری، علوم فضایی و علوم هسته‌ای.

شمار محققان علمی در سال ۱۹۹۲، ۸ نفر در ازای هر ۱۰،۰۰۰ نیروی کار برآورد شد. کمابیش سه چهارم از این پژوهش‌گران در دانشگاه‌ها بودند که ترکیب آن به این صورت است: دانش پایه ۱۰ درصد، مهندسی ۲۰ درصد، علوم سلامت و بهداشت ۳۴ درصد، کشاورزی ۷ درصد و علوم انسانی و اجتماعی ۲۹ درصد. تنها مدرسه پژوهش

¹ Adnan Saygun

² Technology Development Foundation of Turkey

³ Supreme Council of Science and Technology

و امور اجتماعی ترکیه به نام دانشگاه حاجه تپه^۱ در آنکارا قرار دارد.

¹ Hacı tepe